

پیشینه ترجمه رباعیات خیّام

سید محمد رضا ابن رسول

گروه ادبیات عرب دانشگاه اصفهان

مقدمه

از آشنایی اروپائیان با رباعیات خیّام، بیش از سیصد و اندی سال نگذشته^۱ و ظاهراً نخستین برگردان آنان از رباعیات خیّام در اوایل قرن نوزده میلادی صورت گرفته است^۲، هرچند غالباً از ترجمه انگلیسی فیتز جرالّد (Edward Fitzgerald) در سال ۱۸۵۹ م. به عنوان نقطه آغاز توجه غرب به افکار خیّام، یاد می شود^۳.

۱- توماس هاید (Thomas Hyde) خاورشناس انگلیسی و استاد زبان عبری و عربی دانشگاه آکسفورد (۱۶۳۶ - ۱۷۰۳ م.) را نخستین یادکننده خیّام و رباعیات او (در سال ۱۷۰۰ م.) دانسته اند (خیّام، عمر بن ابراهیم؛ رباعیات حکیم عمر خیّام؛ گردآوری و مقدمه حسین دانش، ترجمه و توضیح توفیق هاشم پور سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۶۶؛ و نیز نگر: مینوی، مجتبی؛ *پانزده گفتار، درباره چندتن از رجال ادب اروپا از اومیرس تا برناردشا*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۳، ص ۳۱۵؛ و نیز نگر: ناصیف، امیل؛ *اروع ما قیل من الرباعیات*؛ بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۳ هـ = ۱۹۹۳ م.، ص ۲۲).

۲- این ترجمه به زبان آلمانی، و اثر فون هَمِر (Joseph Von Hammer_Purgstall) خاورشناس اتریشی و مترجم زبردست زبان فارسی است که در سال ۱۸۱۸ م. به زبان آلمانی و تنها از چند رباعی انگشت شمار به انجام رسیده است (مینوی، ۱۳۳۳، ص ۳۱۷).

۳- به عنوان نمونه، صادق هدایت می نویسد: «اول کسی که خیّام را در بلاد مغرب به سزا معرفی کرد، شاعر ←

عربی‌زبانان هم - چنان‌که مشهور است - از طریق غربیان با رباعیات خیام آشنا شده‌اند و به تقدّم غرب در این باره معترف‌اند هرچند برای آن، توجیهاتی هم دارند^۴. در خصوص نخستین ترجمه عربی رباعیات خیام نیز هر چند پژوهشگران عرب هم‌رأی نیستند، لیکن هیچیک از آنان سابقه ترجمه‌های عربی رباعیات خیام را از قرن بیستم میلادی فراتر نمی‌دانند^۵. نیز کوشش‌هایی درخور تقدیر برای فهرست‌نگاری مترجمان عربی رباعیات خیام صورت‌گرفته و در آن‌ها حتی از ذکر کسانی که تنها یک رباعی خیام را به عربی گردانیده‌اند، فروگذار نشده‌است^۶.

نگارنده این سطور در طی مطالعات خود به دو نمونه از ترجمه‌های عربی رباعیات خیام برخورد که یکی از آن‌ها هرچند پیشتر هم مورد توجه محققان و

- عالی‌مقدار انگلیسی فیتزجرالد بود (خیام صادق، مجموعه آثار صادق هدایت درباره خیام؛ با مقدمه و گردآوری جهانگیر هدایت، تهران: چشمه، ۱۳۸۱). ناگفته نماند که ترجمه فیتزجرالد نخستین ترجمه انگلیسی رباعیات خیام است (خیام، عمر بن ابراهیم؛ نروزنامه، رساله‌ای در منشأ و تاریخ و آداب جشن نروز؛ به سعی و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰، ص هفت و هشت مقدمه).
- ۴ - عواملی چند برای تقدّم غرب بر عرب در آشنایی با رباعیات خیام برشمرده‌اند که از جمله آن‌ها وجود نسخ خطّی رباعیات، در کتابخانه‌های اروپا است (ناصیف، ۱۴۱۳، ص ۲۶).
- ۵ - دکتر بکار خیام‌پژوه و اسناد فلسطینی‌الاصیل نقادابی و زبان فارسی در دانشگاه پرموک اردن، چهار نظریه در این باره گزارش کرده، در نهایت نظر خود را که نظریه پنجمی است، اثبات می‌کند؛ (ا) برخی معتقداند نمی‌توان درباره نخستین مترجم یا ترجمه عربی رباعیات خیام به یقین و با اطمینان، اظهار نظر کرد. (ب) ترجمه منظوم ودیع البستانی، از روی ترجمه هشتاد رباعی فیتزجرالد، که در سال ۱۹۱۲ م. به چاپ رسیده، نخستین ترجمه است. (ج) ترجمه منظوم احمد رامی که از فارسی به عربی به انجام رسیده و در سال ۱۹۲۴ م. منتشر گردیده، نخستین ترجمه است. (د) سید محمد هاشمی بغدادی با ترجمه منظوم خود در سال ۱۹۲۳ م. اولین مترجم عراقی رباعیات خیام است.
- البته به نظر می‌رسد هریک از نظریات فوق، درجای خود درست، و هرکدام به یک اعتبار موجه است. دکتر بکار خود نخستین ترجمه رباعیات خیام در عصر حاضر را به «احمد حافظ عوض» نسبت می‌دهد که نه (۹) رباعی خیام را از روی ترجمه انگلیسی به نثر عربی برگردانده و در سال ۱۹۰۱ م. در مصر به چاپ رسانده‌است (بکار، یوسف حسین؛ الاوهام، فی کتابات العرب عن الخیام؛ بیروت: دارالمناهل، ۱۴۰۸، ص ۲۵ - ۳۴).
۶. دکتر بکار در کتاب ارجمند خود (التّرجمات العربیة لرباعیات الخیام، دراسة نقدیة؛ الدوحة: منشورات مرکز الوثائق و الدّراسات الانسانیة - جامعة قطر، ۱۴۰۸ ه = ۱۹۸۸ م.، صص ۳۷-۴۱)، فهرستی از پنجاه و پنج ترجمه عربی رباعیات خیام، متعلّق به پنجاه و دو مترجم ارائه کرده‌است که البته این ترجمه‌ها از لحاظ کَمّیت، منظوم یا منثور بودن، زبان مبدأ، ملّیت مترجم و... با هم متفاوت است. همو در کتاب الاوهام (بکار، ۱۴۰۸، ص ۸۹)، ترجمه نوافتدای را بر آن فهرست افزوده‌است. ظاهراً جستجوهای وی در این باره همچنان ادامه دارد چه، در کتاب دیگری (التّرجمة الادبیة، اشکالیات و مزالتی؛ بیروت: المؤسّسة العربیة للدراسات و النّشر، ۲۰۰۱ م.، ص ۷۵) شمار ترجمه‌های رباعیات خیام را به شصت ترجمه رسانده‌است.

خیام‌پژوهان قرار گرفته، اما به همه جوانب آن - چنان که باید و شاید - پرداخته نشده، و دود دیگر هم اصلاً از نگاه آنان برکنار مانده است:

(۱)

ترجمه‌ای از قرن هفتم هجری^۷

قاضی نظام‌الدین اصفهانی^۸، شاعر ذولسائین قرن هفتم هجری (زنده در فاصله سالهای ۶۳۱ تا ۶۷۸ هجری قمری)، ظاهراً نخستین عربی‌شُرایی است که یک مجموعه کامل رباعیات - بالغ بر پانصد رباعی در همه قوافی (از قافیه همزه تا یاء) - به زبان عربی ساخته و پرداخته است^۹.

۷. بیشتر در مقاله «کهن‌ترین ترجمه ترانه‌ای از خیام» (نشر دانش، سال ۲۰، ش ۳، پانیز ۱۳۸۲، صص ۳۷-۳۹)، به اختصار به این ترجمه پرداخته‌ام. مطالعات بعدی، استدراکانی را بر آن مقاله ایجاب می‌کند. نوشتار حاضر، حاصل بازنگری و بازنگاری همان مقاله است که به خواست دانشور کوشا جناب دکتر جعفر آقایی جاوشی، پیش روی شماست.

۸. از پیشینیان، آوی (حسین بن محمد بن ابی‌الرضا؛ ترجمه محاسن اصفهان؛ به اهتمام عباس اقبال، تهران: مطبوعات مجله یادگار، ۱۳۲۸، ص ۵۹)، ابن‌الفوطی (عبدالرزاق بن احمد؛ تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم‌اللقاب؛ تحقیق محمد الکاظم؛ ج ۶، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۵)، ابوالمجد تبریزی (محمد بن معود؛ سفینه تبریز؛ چاپ عکسی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۵۶)، تاج‌الدین احمد وزیر (بیاض؛ زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳، ص ۴۷۱، ۵۲۹ و ۶۸۹)، جاجرمی (محمد بن بدر؛ مونس الاحرار، فی دقائق الاشعار؛ به اهتمام میرصالح طیبی؛ ج ۲، تهران: کتابخانه انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۱۱۴۸)، خواندمیر (غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی؛ تاریخ حبیب‌السیر، فی اخبار افراد بشر؛ با مقدمه جلال‌الدین همائی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۴، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۱۷)، خوانسناری (محمد باقر الموسوی؛ روضات الجنات، فی احوال العلماء و السادات؛ ج ۸، قم: مکتبه اسماعیلیان، ج ۲، ص ۲۶۳)، شوشتری (قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ ج ۲، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۵، ج ۱ ص ۵۴۳، ج ۲، ص ۴۶۷، ۴۸۱ و ۴۸۲)، شیخ بهائی (محمد بن حسین؛ الکشکول؛ با تعلیق سید مهدی لاجوردی؛ ج ۳، قم: هیئة المتحدّة الکبری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۰)، مستوفی (حمدالله؛ تاریخ گزیده؛ به اهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۷۵۴) و نوافی (احمد؛ الخزانة؛ تحقیق حسن حسن‌زاده آملی و علی‌اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۰، ق. ۱، ص ۱۲۴)، هر کدام به نحوی به نام و یاد، شرح حال و یا آثار و اشعار قاضی نظام‌الدین اصفهانی اشاره کرده‌اند. مآخذ دیگر شرح حال از که به چاپ رسیده، ظاهراً همه از منابع فوق و یا از نسخ خطی آثار وی و نیز فهرسی که این مخطوطات را گزارده‌اند، متأثر است. گفتمی مقاله «قاضی نظام‌الدین اصفهانی و رباعیات او» نوشته سید علی میرافضلی، معارف، دوره ۱۹، ش ۲ (مسلسل ۵۶)، مرداد - آبان ۱۳۸۱، صص ۳-۲۵، بهترین نوشتاری است که تاکنون در شرح احوال و آثار وی به چاپ رسیده است.

۹. ابن مجموعه با نام رباعیات نظام‌الدین اصفهانی، نخبه‌الشارب و عجالة الراکب و به تحقیق

در این مجموعه، یک رباعی با قافیه «باء» دیده می شود که شراینده، آن را در ترجمه یکی از رباعیات خیام آورده و سپس با چهار رباعی دیگر در همان قافیه، بدان پاسخ گفته است.^{۱۰} برگردان عربی شاعر از رباعی خیام چنین است:

الْصَّائِعُ إِذْ أَحْسَنَ فِى التَّرْكِيبِ لِمَ يُخْرِجُ نَظْمَهُ عَنِ التَّشْرِيبِ؟
 اِنْ سَاءَ، فَسَمَزْ أَحَقُّ بِالتَّشْرِيبِ أَوْ أَحْسَنَ، مَا الْحِكْمَةُ فِى التَّخْرِيبِ؟

چنان که روشن است و در دست نویس های آن مجموعه هم آمده، رباعی فوق، ترجمه رباعی زیر است:

دارنده چو ترکیب، چنین خوب آراست باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست؟
 گر خوب نیامد این بنا، عیب کراست؟ ور خوب آمد، خرابی از بهر چراست؟^{۱۱}

بحث و بررسی در باره ارزیابی ترجمه عربی قاضی نظام الدین - با توجه به مهارت شاعر در ارائه این صنعت بدیعی^{۱۲}، و نیز التزام وی به همسانی با رباعی فارسی در وزن و تصریح^{۱۳} - و مقایسه آن با گردانیده های دیگر^{۱۴} را به مقال و مجالی دیگر وامی نهیم و تنها به ذکر گردانیده احمد الصافی التجفی - که او را دارنده مشهورترین و بهترین ترجمه عربی رباعیات خیام دانسته اند - بسنده می کنیم تا خواننده گرامی با توجه به ویژگی های: التزام به متن و ترتیب آن، ترجمه گون نبودن تعریب، و زیبایی و روانی آن، خود میان این دو ترجمه داوری کند:

«لِمَاذَا عَدَاةَ الرَّبِّ رَكِبَ هَذِهِ أَلْمُ — فَمَا نَصْرَ لِمَ يُخَكِّمُ تَنَاوِبَهَا الرَّبُّ»

→ کمال ابودیب در سال ۱۹۸۳ م. از سوی «دارالعلم للملایین» در بیروت به چاپ رسیده است.

۱۰. نظام الدین اصفهانی، محمد بن اسحاق؛ منشآت و رباعیات؛ دست نویس ش ۲۳۱۵ کتابخانه احمد ثالث (توقا پوسرای ترکیه)، ۷۱۰ ق، فیلم ش ۳۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، برگ ۱۷۶ (ب)؛ و نیز نگر: رباعیات نظام الدین اصفهانی... ص ۸۰ و ۸۱؛ و نیز نگر: فرزانه، محسن؛ نقد و بررسی رباعیهای عمر خیام؛ تهران: کتابخانه فروردین، ۱۳۵۶، ص ۱۱۸ (به نقل از دست نویسی از یک کتابخانه شخصی).

۱۱. درباره روایت های دیگر رباعی خیام، در ادامه مقال، سخن خواهیم گفت.

۱۲. صنعت لفظی ترجمه آن است که شاعر، معنی بیٹی را به زبان دیگر به نظم درآورد (دادفر، ابوالقاسم؛ فرهنگ بلاغی - ادبی؛ ج ۲؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۲۷، ذیل «ترجمه»).

۱۳. تصریح آن است که شاعر در اثناء نظم، در مصراع نخستین ایشان نیز قافیه را رعایت کند (همان، ج ۱، ص ۳۶۴، ذیل «تصریح»); در رباعی، تصریح به معنی هم قافیه بودن مصراع سوم با سه مصراع دیگر است و چنین رباعی را مصرّع و یا موخّد القافیه گویند.

۱۴. از این رباعی خیام تاکنون چندین ترجمه منظوم و منثور عربی عرضه شده است (برای نمونه نگر: العریض، ابراهیم؛ اللّمسات الفتیّة عند مترجمی الخیّام؛ المنامة: مکتبه فخرآوی، ۱۴۱۷ هـ = ۱۹۹۶ م.، ص ۱۱۸).

إِذَا رَأَى مَبْنَاهَا فَفِيمَ خَرَابِهَا وَإِنْ لَمْ تَرُقْ مَبْنَى فَمِمَّنْ أَتَى الْعَيْبُ^{۱۵}

حال به اصل مطلب برگردیم. برای پژوهشگرانی که در اثبات رباعیات اصیل خیّام دست به جستجوهای بسیار و کوشش‌های گونه‌گونی زده‌اند، وجود یک رباعی فارسی از خیّام در نسخ قدیم^{۱۶} مجموعه رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی، سند ارجمندی است^{۱۷}، به ویژه که در آن‌ها به انتساب آن رباعی به خیّام هم تصریح شده باشد^{۱۸}.

ظاهراً نخستین کسی که به این رباعی خیّام و ترجمه عربی آن در یک دست‌نویس (برخورده و آن را گزارش کرده، مینگانا (Alphonse Mingana) (۱۸۸۱ - ۱۹۳۷ م.)، فهرست‌نگار مخطوطات کتابخانه رایلند انگلستان است. محفوظ‌الحق، استاد زبان عربی و فارسی، و خیّام‌پژوه هندی در استدراک خود بر مقدمه نسخه‌ای از رباعیات خیّام^{۱۹}، با استناد به گزارش مینگانا^{۲۰}، هم به نام آن دست‌نویس یعنی نخبة الشارب و عجالة الزاكب و تاریخ سروده‌شدن رباعیات آن (۱۲۵۸-۱۲۸۲ م.)، و هم به رباعی خیّام (دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست)، و هم به موضوع ترجمه عربی آن اشاره می‌کند، هرچند از سراینده مجموعه

۱۵. خیّام. عمر بن ابراهیم؛ رباعیات عمر الخیّام؛ تعریب السید احمد الصافی النجفی، چاپ افست، قم: منشورات الارومیّة، ۱۴۰۵ ق. ص ۱۴.

۱۶. نسخه‌ای که به رؤیت جناب محسن فرزانه رسیده، به نظر ایشان در زمان حیات قاضی نظام‌الدین نوشته شده، هرچند در حاشیه یکی از صفحه‌های آن، سال ۹۳۱ یادداشت گردیده است (فرزانه، ۱۳۵۶)، ص ۱۱۷ و ۱۱۸؛ نسخه در دسترس نگارنده هم (فیلم ش ۳۲۹ دانشگاه تهران که بیشتر در پانویست بدان اشاره شد) در سال ۷۱۰ هـ. کتابت شده است.

۱۷. بسیاری از خیّام‌پژوهان معاصر به اهمّیت و ارزش این سند واقف بوده و بدان تصریح کرده‌اند. تازه‌ترین و کامل‌ترین اثر در این باره، کتاب مستطاب رباعیات خیّام در منابع کهن است که در آن، مجموعه رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی (نخبة الشارب و عجالة الزاكب) به عنوان هشتمین منبع رباعیات خیّام در فصلی جداگانه معرفی شده است (میرافضلی، سیدعلی؛ رباعیات خیّام در منابع کهن؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲، صص ۵۳-۵۶).

۱۸. به عنوان نمونه در برگ ۱۷۶ (ر) از دست‌نویس مؤرخ ۷۱۰ هـ. که بیشتر معرفی شد. عبارت «قال الخیّام» مشهور است.

* Khayyam, omar; *The Ruba'iyat of 'Umar-i-Khayyam, persian text edited from manuscript dated A.D.911 (1505 A.D)*; by M.Mahfuz-ul-haq, Calcutta: Royal Asiatic Society of Bengal, 1939, p.810.

● Mingana; *Catalogue of Arabic Manuscripts in the John Ryland's Library*, Manchester, p.774, No.465.

رباعیات و مترجم رباعی خیام یعنی قاضی نظام‌الدین اصفهانی نامی نمی‌برد. البته کریستن‌سن (Arthur Emanuel Christensen) خاورشناس مشهور دانمارکی هم در گزارش خود از رباعیات اصلی و ساختگی خیام، از دکتر مینگانا یاد می‌کند که یک رباعی خیام را همراه با ترجمه عربی آن در یک دست‌نویس عربی متعلق به کتابخانه رایلند در منچستر یافته‌است، اما او هم از صاحب آن اثر نام نمی‌برد؛ وانگهی رباعی خیام موجود در آن را همان رباعی مذکور در تاریخ جهانگشای جوینی^{۱۹} می‌داند.^{۲۰}

می‌گوییم هرچند نشانی نسخه، همان نشانی دست‌نویس شماره 465 کتابخانه (John Ryland) انگلستان است که فیلم آن به شماره ۳۱۸۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود^{۲۱} و تصویری از آن هم در اختیار این نگارنده است^{۲۲}، اما رباعی موجود در آن - چنان‌که آوردیم - غیر از رباعی مذکور در تاریخ جهانگشای است، اگر چه شباهت لفظی و محتوایی بین دو رباعی قابل انکار نیست.^{۲۳}

۱۹. رباعی مضبوط در تاریخ جهانگشای چنین است:

بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
از مهر که پیوست و به کین که شکست

«ترکیب پیماله‌ای که در هم پیوست
چندین سر و پای نازنین از سر دست

(جوینی، عطا ملک بن محمد: تاریخ جهانگشای؛ به اهتمام محمد فروزینی؛ ۳ ج، لیدن، ۱۹۱۱-۱۹۳۶ م. ج ۱: ص ۱۲۸).

۲۰. کریستن‌سن، آرتور امانوئل؛ بررسی انتقادی رباعیات خیام؛ ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس، ۱۳۷۴، ص ۴۹؛ گفتنی است جناب آقای سید علی میرافضلی در دو اثر خود («قاضی نظام‌الدین اصفهانی و رباعیات او»؛ ص ۲۴؛ و نیز رباعیات خیام در منابع کهن؛ ص ۵۳)، کشف این رباعی خیام را در مجموعه رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی به دکتر فردریخ روزن (Fredric Rosen) مترجم آلمانی و پژوهشگر رباعیات خیام نسبت داده‌است. منشأ این اشتباه ظاهراً این است که کریستن‌سن در خلال گزارش خود از نتایج تحقیقات روزن، استطراداً به این موضوع هم اشاره کرده‌است ولی چنان‌که پس از مراجعه روشن شد، در مقاله روزن چنین اشاره‌ای یافت نمی‌شود (خیام، عمر بن ابراهیم؛ کلیات رباعیات حکیم عمر خیام؛ با مقدمه دکتر فریدرخ روزن، چاپ دوم، تهران: فرزاد، ۱۳۶۳، مقدمه و ص ۲۷۰).

۲۱. دانش پژوه، محمدتقی؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ (جلد دوم)، ص ۹۳.

۲۲. گفتنی است نسخه محل بحث، فاقد مشخصات مؤلف یا سراینده است.

۲۳. نگارنده این سطور به درستی نمی‌داند این لغزش (خلط بین دو رباعی خیام) را به کدام یک (کریستن‌سن و یا مترجم فارسی اثر او) منتسب کند؛ این مطلب در ترجمه دیگری از گزارش کریستن‌سن به گونه‌ای غلط‌اندازتر ذکر شده‌است (شجره، حسین؛ تحقیق در رباعیات و زندگانی خیام؛ اقبال، ۱۳۲۰، ص ۱۸۱).

پیشینه ترجمه رباعیات خیّام ۱۵۹

در میان پژوهشگران عرب نیز دکتر کامل مصطفی الشیبی، نخستین کسی است که درباره ترجمه قاضی نظام الدین اصفهانی از رباعیات خیّام سخن گفته است و البته مستند او، سه دست‌نویس از آثار قاضی نظام الدین بوده که نسخه مورد توجه دکتر مینگانا یکی از آنهاست.^{۲۴}

در ایران هم جناب محسن فرزانه در سال ۱۳۵۶ به نسخه‌ای از منشآت و رباعیات قاضی نظام الدین استناد می‌کند که رباعی خیّام و ترجمه وردیه‌های قاضی در آن مذکور بوده است.^{۲۵} از سرنوشت این نسخه - که وی آن را اخوانیات نامیده - هیچ اطلاعی در دست نیست.^{۲۶}

درنگی در جوابیه‌های قاضی نظام الدین اصفهانی به رباعی خیّام رباعی «دارنده چو ترکیب، چنین خوب آراست...» را از شبهه‌انگیزترین و فتنه‌خیزترین رباعیات خیّام درباره نظام هستی و آفرینش و به ویژه اتقان صنّع برشمرده‌اند و چنان‌که استاد فقید جلال الدین همائی فرموده «از قدیم مورد توجه و استقبال شعرا خاصه ارباب حکمت و عرفان بوده، در حلّ و نقض آن جواب‌های متعدّد ساخته‌اند»^{۲۷}. نیز برخی خیّام پژوهان معاصر فصلی جداگانه به این رباعی و نقد و بررسی جوابیه‌های فارسی آن اختصاص داده‌اند.^{۲۸} به دیگر سخن «هیچ رباعی و قطعه‌ای در تاریخ ادب پارسی چون این رباعی خیّام، دست‌آویز مخالفان قرار نگرفته، بهتان نخورده است و ردّیه بر آن نساخته‌اند»^{۲۹}.

۲۴. الشیبی، کامل مصطفی؛ *دیوان الدّویب فی الشّعر العربیّ (فی عشرة قرون)*؛ طرابلس: منشورات انجامة اللیبیة - کلیة التریبة، ۱۳۹۲ هـ = ۱۹۷۲ م. ص ۲۸۶.

۲۵. فرزانه، ۱۳۵۶، صص ۱۱۵ - ۱۱۷.

۲۶. تا آنجا که اطلاع داریم این دست‌نویس در کتابخانه شخصی مرحوم سیدحسین آموزگار رضوی (با خراسانی) نگهداری می‌شده و او خود آن را مدّتی در اختیار مرحوم استاد محمدتقی مدرّس رضوی و نیز جناب محسن فرزانه قرار داده بوده است (مدرّس رضوی، محمدتقی؛ *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی*؛ چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹ (پانوشت ش ۲)؛ و نیز نگر: فرزانه، ۱۳۵۶، ص ۱۱۵). گفتنی است جستجوهای گسترده نگارنده از دوستان، آشنایان و خویشاوندان مرحوم آموزگار در خصوص سرنوشت کتابخانه وی واز جمله این نسخه هنوز به نتیجه نرسیده است. در اینجا فرصت را مغتنم شمرده‌ام از عموم خوانندگان گرامی که اطلاعی در این باره دارند، درخواست می‌کنم راهنمایی خود را از این بنده دریغ نکنند.

۲۷. رشیدی تبریزی، یاراحمد بن حسین؛ *طربخانه، رباعیات حکیم عمر خیّام نیشابوری*؛ با تصحیح و مقدمه و تعلیقات و اضافات جلال الدین همائی، تهران: کتابخانه انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲، ص ۵۵.

۲۸. دشتی، علی؛ *دمی با خیّام*؛ چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۸، صص ۳۲۳ - ۳۴۴.

۲۹. فرزانه، ۱۳۵۶، ص ۱۱۴.

برخی خیام را در این رباعی، از اندیشه‌های افلاطون متأثر دانسته، و برخی به اثرپذیری او از ناصر خسرو اشاره کرده‌اند.^{۳۰} کسانی هم محتوای رباعی را نه به مثابه اعتراض، که نشان دهنده حیرت شاعر قلمداد کرده‌اند.^{۳۱} ناگفته نماند که شبهه طرح شده در این رباعی، با تفاوت اندکی در دیگر رباعیات منسوب به خیام هم مشهود است.^{۳۲}

و اما پاسخ‌های چهارگانه قاضی نظام‌الدین اصفهانی:
پاسخ نخست:

إِذَا لَبِئْتُ بِخِيَامٍ لَجَّ فِي التَّائِبِ لِخَيْبَةِ فَوْضَا لَدَى التَّطْنِيبِ
لَا بُدَّ لِيْذَى الْخِيَامِ أَنْ يَفْلَعَهَا مَهْمَا حَفَرَ الْجُبُوشَ لِلشَّرِيبِ^{۳۳}

«از چه رو خیام بر نکوهش خود پای می‌فشارد که چرا (لشکریان) هنوز اندکی از طناب کشی (و برپایی) خیمه نگذشته، آن را فرو می‌نشانند (و برمی‌چینند). به هر حال صاحب این خیمه‌ها (و فرمانده اردوگاه) وقتی سپاهیان را دسته‌دسته گسیل می‌دارد و پیش می‌راند، ناگزیر است [دیر یا زود عزم منزل دیگر کرده]،

۳۰. فرزانه، محسن؛ راز حافظ، راه سوم؛ تهران: بیک فرهنگ، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱؛ و نیز نگر: همو، ۱۳۵۶، ص ۱۶۱.

۳۱. دشتی، ۱۳۴۸، ص ۳۴۲.

۳۲. علاوه بر رباعی مذکور در تاریخ جهانگشای که بیشتر بدان اشاره شد، سه رباعی زیر نیز هر یک به نوعی با رباعی بحث‌انگیز خیام همخوانی دارد:

ز آوردنِ من نبود گردون را سود وز بردنِ من جاه و جملالش نفرد
وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود کآوردن و بردنِ من از بهر چه بود

جامی‌ست که عقل آفرین می‌زندش صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

هرچند که موی و روی زیباست مرا چون لاله، رخ و جو سرو، بالاست مرا
معلوم نشد که در طربخانه خاک نقاش ازل بهر چه آراست مرا؟

این رباعیات هم بدان نظایر خود، با ضبط‌های گونه‌گونی روایت شده‌است، برای نمونه نگر: کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴ و ۱۸۱؛ و نیز نگر: دشتی، ۱۳۴۸، ص ۲۰۴ و ۲۷۶.

۳۳. در نسخه چاپی رباعیات نظام‌الدین، مصراع چهارم چنین ضبط شده‌است: «مَهْمَا حَفَرَ الْجُبُوشَ لِلشَّرِيبِ»، که ترجمه آن چنین است: «هر اندازه هم که سپاهیان او زمین را برای آبیگری حفر کرده باشند». در نقل دیوان الدبویت (الشیبی، ۱۳۹۲ هـ. ق. ص ۲۸۷) و الترجمات العربیة (بکار، ص ۳۵)، به جای «لَا بُدَّ لِيْذَى الْخِيَامِ»، عبارت «مَا كَانَ لِذَا الْخِيَامِ» درج شده که علاوه بر اختلال وزنی، معنی را هم کاملاً برخلاف مراد شاعر می‌نماید. در نقل دکتر بکار خطای دیگری هم رخ داده که آن، ضبط «خفر» به جای «حفر» است.

سرپرده‌هایی را که بر پای نموده، از جای برگند»^{۳۴}.

این جوابیه با یکی از پاسخ‌های مشهور رباعی مورد بحث، بسیار قرابت دارد:

خیّام! تنت به خیمه‌ای ماند راست جان، سلطان است و منزلش دارِ بقاست
فَرّاش ازل ز بهر دیگر منزل این خیمه بیفکند چو سلطان برخاست^{۳۵}

در خصوص سراینده این پاسخ منظوم فارسی، اختلاف نظر وجود دارد و آن را به

خود خیّام، ابوسعید ابوالخیر، و مولانا منتسب کرده‌اند.^{۳۶}

پاسخ دوم:

«لِنَفْسِ رَأَى الْكَمَالِ فِي التَّرْكِيبِ
لَا الْجِسْمُ قُصَارَاهُ لَدَى التَّرْتِيبِ»

۳۴. در اینجا جالب است به دریافت ناصواب دو دانشور اهل قلم از جوابیه قاضی به خیّام اشاره کنم. جناب محسن فرزانه در ترجمه این جوابیه آورده‌است: «خیّام را چهاره‌ای جز ندامت نیست که بارش را بریندد و خیمه‌اش را برافکند، چه بسیاری در راهند که سر تحقیق و مباحثه دارند» (فرزانه، ۱۳۵۶، ص ۱۱۸ - پانویشت): ناباورانه باید گفت که این ترجمه هیچ نقطه اشتراکی با متن ندارد. شگفت‌انگیزتر آن که دکتر شبیبی پژوهشگر عربی‌زبان هم معنی جوابیه قاضی را درست دریافته‌است. وی در شرح این رباعی آورده‌است: «أَنَّ الْخِيَامَ الَّذِي يُحَاوِلُ أَنْ يَشْكُكَ فِي حِكْمَةِ الْخَلْقِ، يُبْنِي أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نَفْسِهِ وَصِنَاعَتِهِ: هَلْ يَعْطَلُ أَنْ يَضْرِبَ الْإِنْسَانَ خِيْمَةً لِيَقْرُضَهَا سَاعَةً تَطْنِيهَا وَصِلَاحَهَا لِنَسْكَنِ؟ إِنَّ الْعَالَمَ فَذَخْلِقْ لِيَبْقَى وَسِيَقِي مَا شَاءَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَبْنِي» (الشبیبی، ۱۹۷۲، م، ص ۲۸۸ - پانویشت). مضمون عبارات فوق هرچند در جای خود ممکن است صحیح باشد، اما با مراد شاعر فاصله بسیار دارد. البته گویا ضبط نادرست مصراع سرم در این دریافت بی‌تأثیر نبوده‌است. گفتنی است دکتر بکار هم که در کتاب **الاهوام** (ص ۸۳) بخش مربوط به قاضی نظام‌الدین اصفهانی از کتاب دکتر شبیبی را مورد نقد قرار داده، به این لغزش وی در فهم معنی رباعی اشاره نکرده‌است.

۳۵. رشیدی تبریزی، ۱۳۴۲، ص ۱۴۱، ۱۵۶؛ و نیز نگر: میرافضلی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۴. این رباعی به گونه دیگری هم روایت شده‌است (دشتی، ۱۳۴۸، ص ۳۲۴ - پانویشت):

گفتی که خرابی تن از بهر چراست زیرا که تنت خیمه و جان، شه‌آست
فَرّاش ز بهر منزل آینده نی خیمه بیفکند چو سلطان برخاست؟

۳۶. در **طریخانۀ** این جوابیه ضمن حکایتی به ابوسعید ابوالخیر نسبت داده شده‌است؛ مرحوم استاد همائی در پانویشت آورده‌اند: «هم عصر بودن خیّام با شیخ ابوسعید ابوالخیر متوفی ۴۴۰ صحیح نیست باقی حکایت هم سند معتبری ندارد» (رشیدی تبریزی، ۱۳۴۲، ص ۱۵۵). نیز برخی به دلیل وجود نام خیّام در این رباعی، آن را سروده او دانسته‌اند. مرحوم استاد مجتبی مینوی قاطعانه انتساب این رباعی را به خیّام مردود شمرده و ضبط آن را در بین رباعی‌های خیّام خطا دانسته‌است (مینوی، مجتبی؛ «از خزاین ترکیه»؛ **دانشکده ادبیات دانشگاه تهران**، سال ۴، ش ۲، دی‌ماه ۱۳۳۵، ص ۷۲). مرحوم فروغی هم ضمن خدشه در این انتساب، آن را استظهاراً از آن مولانا جلال‌الدین رومی می‌داند (رشیدی تبریزی، ۱۳۴۲، ص ۱۵۵؛ و نیز نگر: همو؛ **رباعیات خیّام، ویرایش جدید همراه با ترجمه انگلیسی فیتزجرالد**: با تصحیح، مقدمه و حواشی محمدعلی فروغی و قاسم غنی، به کوشش بهاء‌الدین خزّمشاهی، تهران: ناهید، ۱۳۷۳، ص ۶۷)؛ چنان که دکتر روزن آن را با اندک اختلافی در دست‌نویسی از دیوان مولوی دیده‌است (دشتی، ۱۳۴۸، ص ۲۵۱).

بِالْقَالِبِ لِطَاقِ أَتَنِ بَانِيهِ
يَزْمِيهِ إِذَا أَنْتُمْ بِالتَّخْرِبِ^{۳۷}

(دارنده)، کمالِ نفس آدمی را در ترکیب (با جسم) قرار داده است، نه آن که جسم به تنهایی هدفِ غایی او در نظام آفرینش باشد. آری سازندهٔ سقف هم (در آغاز) برای آن، قالبی فراهم می‌آورد و وقتی ساختِ سقف به انجام برسد، آن قالب را خراب می‌کند و فرومی‌ریزد.

این جوابیهٔ قاضی هم با پاسخ منظوم زیر^{۳۸}، هم‌آهنگ است:

هر کس که عمارتی نو آغاز کند در بستن هر طاق، خوی ساز کند
طاقِ جان را که مُبدع از تن، خوبست چون طاق تمام گشت، خوب ساز کند^{۳۹}

پاسخ سوم:

إِنْ يَنْفَسِدِ الْكَوْنُ فِيهِ التَّرْكِيبُ
إِنْ تَبِنَ لِفَتْحِ بِلْدَةِ أُنَيْيَةِ
لِلنَّفْسِ كَمَالُ لَكَ بِالتَّهْذِيبِ
عَرَّضْتُ لَدَى الْفَرَاغِ لِلتَّخْرِبِ

فساد و تباهی موجودات به علت فساد ترکیب و صور مادی آنهاست. وقتی برای شما کمال نفس حاصل می‌شود که آن را از آلیهٔ ترکیب پیراسته سازید. چونان که اگر برای فتح سرزمینی، بناهایی برپا کنید، وقتی از فتح آنجا فارغ می‌شوید، همهٔ آن ساخت و سازهای موقت را در معرض تخریب قرار داده، ویران می‌سازید.^{۴۰}

۳۷. دکتر شبلی این جوابیه را از قلم انداخته است. جناب میرافضلی در مصراع سوم به جای «أُنَيْيَةِ»، کلمهٔ «الی» را ضبط کرده است (میرافضلی، ۱۳۸۱، ص ۲۳؛ و نیز همو، ۱۳۸۲، ص ۵۵). دکتر ابودیب، در رباعیات نظام الدین الاصفهانی (ص ۸۱)، و به تبع وی دکتر بکار در الترحيمات العربية (ص ۳۵) در مصراع چهارم به جای «أُنَيْيَةِ»، کلمهٔ «أثر» را آورده‌اند که ظاهراً هر دو ضبط، ناشی از بدخوانی نسخه است.

۳۸. رباعی جواب را به شخصی به نام «محمود الظهیری» اسناد داده‌اند (مینوی، ۱۳۳۵، ص ۷۲). نام این سراینده را در کتب اعلام نیافتم، اما دو کس به «محمّد ظهیری» نام بردارند. یکی «محمّد بن علی الظهیری الکاتب السمرقندی»، ادیب و شاعر ایرانی قرن ششم و مؤلف کتاب‌های *سندبادنامه* و *اغراض السیاسة فی اعراض السیاسة* است که پاسخ رباعی خیام را به همو منتسب کرده‌اند (آغا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ *الذریعة، الی تصانیف الشیعة*؛ ج ۲۶، چاپ سوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ هـ = ۱۹۸۳ م، ج ۹، ص ۶۶۱)، و دیگری را اسماعیل باشا بغدادی (*هدیة العارفين، اسماء المؤلفين و آثار المصنفين*؛ ج ۲، استانبول: وكالة المعارف، ۱۹۵۱ و ۱۹۵۵، ج ۲ / ۱۶۱) با نام «محمّد بن محمود بن حمزه» متخلص به «ظهیری» معرفی می‌کند که در سال ۷۶۱ هـ. زنده بوده، در شهر ابرج - که ظاهراً همان ایذه است - می‌زیسته و کتابی به نام *دستور الانشاء* داشته است.

۳۹. «خو» در هر سه مصراع، به معنی قالبی است که استادان بنا، طاق را بر بالای آن زنند، داربست، و خوبست.

۴۰. دکتر شبلی ظاهراً معنی این رباعی را هم درست دریافته است چه، می‌گوید قاضی نظام الدین در این جوابیه

پیشینه ترجمه رباعیات خیام ۱۶۳

این دو جوابیه - به ویژه مصراع اول جوابیه دوم، و مصراع دوم جوابیه سوم - از پاسخ نجم الدین رازی در مرصاد العباد به همین رباعی خیام، سخت متأثر است:

”چون مرید صادق و طالب عاشق، از سر صدق و تائمی نه از سر هوی و تمنی مطالعه کند و بر اصول این فصول اطلاع یابد، واقف گردد که او کیست و ... مقصد و مقصود او چیست ... و معلوم گردد که روح پاک علوی نورانی را در صورت قالب خاکی سفلی ظلمانی کشیدن چه حکمت بود و باز مفارقت دادن و قطع تعلق روح از قالب کردن و خرابی صورت چراست ... اما آنچه حکمت در میرانیدن بعد از حیات و زنده کردن بعد از ممات چه بود تا جواب آن سرگشته غافل و گمگشته عاطل گفته آید که می گوید بیت: «دارنده چو ترکیب ...»

بدانك آدمی را پنج حالت است اول ... سیم، حالت تعلق روح به قالب چنانک فرمود: «و نفخت فيه من روحی». چهارم، حالت مفارقت روح از قالب چنانک فرمود: «كل نفس ذائقة الموت» ...

سیم، حالت تعلق روح به قالب می بایست تا آلات کمالات معرفت اکتساب کند، ... و حق را به صفات رازقی و رحمانی و رحیمی و غفاری و ستاری و منعمی و محسنی و وهابی و توأبی درین حالت توان شناخت، و در تربیت روح بمدد این آلات، به مقاماتی توان رسید در معرفت، که در عالم ارواح حاصل نشدی، ...

چهارم، حالت مفارقت روح از قالب می بایست از دو وجه یکی آنک تا آلاشی که روح از صحبت اجسام حاصل کرده است، در مفارقت آن بتدریج ازو برخیزد، و ... دیگر باره با صفای روحانیت افتد و به صفاتی که از آلت قالب حاصل کرده است بی مزاحمت قالب از حضرت عزت، برخوردار معرفت و قربت شود بی شوایب بشریت و کدورت خلقیت؛ دوم آنک ذوقی از معارف غیبی به واسطه آلات مکتسب قالبی، در حالت بی قالبی حاصل کند که آن ذوق، در عالم

→ تنها جای «خیمه» در جوابیه نخست را با «شهر» عوض کرده و باز همان معنی را مکرر نموده است که شهر را به هنگام اتمام ساخت آن خراب نمی کنند (الشیبی، ۱۳۹۲، ه، ص ۲۸۸ - پانوش).
۱۶۳

ارواح نداشت، زیرا که آلت ادراک آن نداشت و در عالم اجسام هم نداشت زیرا که آنچه می یافت، از پس حجاب قالب می یافت و اکنون بی مزاحمت قالب یابد...."^{۴۱}
و کوتاه سخن این که:

«روح را بعد از آنک در صحبتِ قالب، پرورش به کمال یافته بود و آلات معرفت تمام حاصل کرده، از قالب، مفارقت داده و مدتها در عالم غیب، بتابش نظر عنایت تربیت یافته و آرایش جسمانی از او بتدریج محو شده»^{۴۱}.

پاسخ چهارم:

«لَمْ يَعْتَمِدِ الطَّيْنُ لَدَى الشَّرَكِيبِ
مَا أَنْصَانَ عَنِ أَلْسِنِ رُبُوعِ عُمَرْتِ
إِلَّا لِسِيرِي مَظَنَّةَ التُّخْرِيْبِ
بِالنَّقْشِ عَلَى الْحَائِطِ وَ التُّذْهِيبِ»^{۴۲}

آدمی تنها بدین جهت با گِل سرشته شده است که ببینند (و بدانند) در معرض ویرانی و فناست. آری خانه‌هایی که با نقش در و دیوار، و طلاکاری (و آرایش ظاهری و نه با استحکام بنیادین) ظاهری آباد به خود گرفته، از فرسودگی و نابودی ایمن و مصون نیست^{۴۳}.

شاعر می خواهد بگوید هدف آفریننده از آغاز، این بوده که روح به طور موقت در قالبی قرارگیرد و به همین جهت جسم را که به مثابه نقش و نگار ساختمان، در معرض فرسایش و اضمحلال است، به عنوان قالب برای روح برگزیده است و الا اگر مقرر بود تا ابد در این جهان پایدار بماند، قالبی زوال‌ناپذیر برای آن قرار می داد.

۴۱. نجم رازی، ابوبکر بن محمد، *مرصاد العباد، من المبدأ الی المعاد*، به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۳۰ و صص ۴۰۰-۴۰۶.

۴۲. در بعضی نسخ، فعل «لم یعتمد» به صورت معلوم (لم یعتمد) ضبط شده، که در این صورت «الطین» مفعول آن، و «الصانع» در ترجمه عربی رباعی ختیم، مرجع ضمیر فاعلی آن است. نیز جناب محسن فرزانه در مصراع سوم به جای «انسان»، عبارت «ان کان» را ضبط کرده که قطعاً ناشی از بدخوانی است (فرزانه، ۱۳۵۶، ص ۱۱۹).

۴۳. ترجمه بیت دوم بر اساس تعلق جار و مجرور (بالتقش) به فعل «عمرت» صورت گرفته است ولی اگر آن را متعلق به «انسان» بدانیم، ترجمه آن چنین خواهد شد: «خانه‌های آباد، به دلیل نقش و نگارشان نیست که از فرسودگی و ویرانی در امان مانده‌اند (که به سبب بنیاد مستحکمی است که دارند). دریافت دکتر شبلی از معنی این رباعی نیز ناظر به همین وجه است (الشبلی، ۱۳۹۲ هـ، ص ۲۸۸ - پانویشت).

ترجمه‌ای ناشناخته

استادِ روان شاد، مجتبی مینوی در گزارشی در معرفی یکی از نسخ رساله «التنبیه علی بعض الأسرار المودعة فی بعض سور القرآن العظیم» نوشته امام فخر رازی، پس از یادکرد یک رباعی خیّام در رساله مزبور - یعنی همان رباعی «دارنده...» که پیشتر به تفصیل بدان پرداختیم - چنین می‌آورد:

”پس از نقل عین رباعی، عبارتی الحاق کرده دیگران هست از این قرار:
«و نظمه ایضاً علی الاسکندرانی بالعربیة فقال:

قَدْ رَكَّبْتَ الطَّبَائِعَ الْقَضْرَ جَمِيلَ لِسْمِ حَرْبٍ بِالنَّقْصِ قَلِيلاً نَقِيلُ؟
إِنْ جَاءَ مَعِيًّا فَلِمَنْ يُعْرِفُ [عَيْبُ] أَوْ جَاءَ مَلِيحًا فَلِمَا هَدُ خَلِيلُ؟^{۴۴}

این ترجمه بدان روی که بسان ترجمه قاضی نظام‌الدین اصفهانی، خود نیز بر وزن رباعی است^{۴۵}، قابل توجه است اما از جهاتی هم درخور نقد است:

الف - در رباعی اصل، خوب آراستن ترکیب به «دارنده»، و در این ترجمه به «الطَّبَائِع» اسناد داده شده است، گویا مترجم عربی همچون صاحب «مرصادالعباد» بر این باور بوده یا می‌خواسته خیّام را فردی دهری و طبایعی جلوه دهد^{۴۶}. البته این نقیصه در پایان مصراع چهارم با ذکر لفظ «خلیل» تا اندازه‌ای جبران شده است، هرچند این خود نشان دهنده ناسازگاری و تناقض درونی رباعی است^{۴۷}.

۴۴. مینوی، ۱۳۳۵، ص ۷۲.

۴۵. دکتر شیخی پس از نقل ترجمه عربی قاضی نظام‌الدین اصفهانی از رباعی خیّام، می‌گوید که باید ملاحظه داشت این ترجمه در قالب شعری به وزن رباعی - یعنی همان وزن رباعیات خیّام - ریخته شده است و این ملاحظه‌ای است که سایر مترجمان معاصر رباعیات خیّام از آن غفلت کرده، آن‌ها را در وزن‌های خلیلی برگردانیده‌اند و با این کار خود، یکی از وجوه اشتراک و هم‌آهنگی متن و ترجمه را - که شایسته بود بدان پایبند باشند - از دست داده‌اند. وی در چند جای دیگر هم بر اهمیت همسانی متن مبدأ و مقصد در وزن و آهنگ پای فشرده است (الشیبی، ۱۳۹۲ هـ.، ص ۲۸۷ - پانویس، و ص ۷۸ و صص ۸۶ - ۹۵ و ص ۹۸ و ۵۲۲ - پانویس).

۴۶. دهری و طبایعی کسی است که جهان هستی را مولود تصادف، و معلول فعل و انفعال عناصر طبیعت می‌داند. این اعتقاد در نهایت به انکار وجود صانع و نفی بعث و معاد می‌انجامد. صاحب *مرصادالعباد* پس از آن که از مرتبه نظر و قدم، و ثمره آنها یعنی ایمان و عرفان سخن گفته و آورده است: «فلسفی و دهری و طبایعی از این دو مقام محرومند و سرگشته و گم‌گشته‌اند»، به رباعی خیّام اشاره می‌کند و بدان پاسخ می‌دهد (نجم رازی، ۱۳۷۱، ص ۳۱).

۴۷. نقد نگارنده بر رباعی اسکندرانی با توجه به ضبط منقول استاد مینوی است و الاگمان می‌رود مصراع اول آن

ب - التزام به متن نیز در ترجمه مذکور چنان که باید و شاید مراعات نشده است چه، در رباعی متن از «قصر»، تخریب تدریجی و «خلیل» ذکری به میان نیامده است. ج - از لحاظ دستوری هم اشکالاتی بر این ترجمه وارد است و به اصطلاح بلاغت پردازان دچار ضعف تألیف است: «جمیل» بر فرض ایفای نقش حال، بایست «جمیلاً» می بود. «لما» هم چون ترکیبی از حرف جرّ و «ما»ی استفهام است، می بایست به صورت «لَمَ» می آمد. «خلیل» نیز بایست با «ال» به کار می رفت. البته با توجه به بحث ضرورت های شعری و جوازات شاعری شاید بتوان از همه یا بخشی از این اشکالات چشم پوشید.

د - مصراع سوم نیز اختلال وزنی دارد و مرحوم مینوی ظاهراً برای رفع آن، کلمه «عیب» را به آخر مصراع افزوده است؛ امّا این «عیب» افزوده خود، عیبی افزوده است چه، بایست به صورت معرفه آورده می شد. پیشنهاد نگارنده این سطور آن است که اگر در متن نسخه هیچ نشانه ای از کلمه ساقط - که با کلمه «عیب» سازگار باشد - باقی نمانده است، به جای آن، کلمه «ذا» قرار گیرد که البته این هم به همان «عیب» مفهوم از «معیباً» و یا «التقص» در بیت قبل اشاره دارد. نیز اگر با ضبط متن منافاتی نداشته باشد، عبارتی مثل «تَعْرِفُهُ» به جای «يعرف عیب» هم مشکل اختلال وزن را حل می کند.

از بررسی این ترجمه می گذریم و به ناظم آن می پردازیم. جستجوهای راقم این سطور درباره «علی اسکندرانی» هنوز به نتیجه اطمینان بخشی نرسیده است. در کتب اعلام و تراجم - به ویژه آن ها که به مناطق ترکیه، سوریه، عراق و مصر مربوط می شود - چندین کس بدین نام یافت شد که تنها یکی از آنان با این موضوع قرابت دارد و او هم «علاء الدین علی بن المظفر بن ابراهیم الکندی الاسکندرانی الدمشقی الوداعی»، محدث، ادیب، شاعر و نویسنده نامور قرن هفتم (۶۴۰ - ۷۱۶ ق.) است که دیوانی در سه مجلد داشته و به ویژه در نظم «توریه» استاد زمان خود و مقتدای شاعران پس از خود بوده است.^{۴۸}

→ چنین باشد: «قَدْ رَكَّبَ بِالطَّبَائِعِ الْقَصْرَ جَمِيلًا» بنابراین خوانش، «جمیل» فاعل «رَكَّبَ» است و ناهم آهنگی آن با مصراع چهارم و نیز با رباعی خیام برطرف می شود.

۴۸. برای شرح حال علاء الدین وداعی با کندی، و فهرست شماری از کتب تراجم که او را یاد کرده اند: نگر:

پیشینه ترجمه رباعیات خیّام ۱۶۷

این شاعر را در شمار رباعی‌سرایان هم یاد کرده‌اند^{۴۹}، امّا به آشنایی او با زبان فارسی هیچ اشاره‌ای نشده‌است؛ وانگهی نقدهایی که بر این ترجمه رباعی خیّام وارد کردیم، انتساب آن را به چنین شاعر برجسته‌ای منتفی می‌سازد. حدس نگارنده، آن است که این مترجم از ترک‌زبانان یا فارسی‌زبانان آشنا با زبان عربی بوده‌است؛ به عبارت دیگر زبان عربی، زبان مادری او نبوده‌است. نیز با توجه به قرائن منقول در گزارش نسخه، وی احتمالاً در سده‌های اخیر و ترجیحاً در یک صد و پنجاه سال اخیر می‌زیسته‌است. به هر حال در فهرست ترجمه‌های عربی رباعیات خیّام از او و ترجمه‌اش نامی نیامده‌است^{۵۰}.

نتیجه

از بررسی این دو ترجمه و نکاتی که در پیرامون آنها آوردیم، نتایج زیر قابل دریافت است:

۱- گذشته از ضبط اصل رباعی فارسی خیّام در نسخ قدیم مجموعه رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی^{۵۱}، و تصریح به انتساب آن به خیّام در آن دست‌نویس‌ها، با توجه به فاصله اندک زمان حیات دو شاعر (حدود یک قرن)، ترجمه قاضی نظام‌الدین اصفهانی از رباعی خیّام، خود یکی از کهن‌ترین و اطمینان‌آورترین اسناد^{۵۲} در انتساب اصل رباعی به خیّام است^{۵۳}، به ویژه که

→ الشّیسترى. عبدالحسین؛ مشاهیر شعراء الشّیعة؛ ۵ ج، قم: المكتبة الأدبیة المختصّة، ۱۴۲۱ق.، ج ۳، ص ۲۵۶؛ و نیز ر. ک. الجورى، کامل سلمان؛ معجم الأدباء، من العصر الجاهلی حتّى سنة ۲۰۰۲م؛ ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ هـ. = ۲۰۰۲ م، ج ۴، ص ۳۳۷.

۴۹. الشّیبی، ۱۳۹۲ هـ.، ص ۳۶۷.

۵۰. دکتر بکار که مدعی است همه مترجمان عربی رباعیات خیّام را احصا کرده، از این ترجمه بادی نکرده‌است. البته در فهرست ترجمه‌های او (التّرجمات العربیة، ص ۳۷)، ترجمه چهار رباعی خیّام از مترجمی ناشناخته مربوط به سال ۱۹۱۲ م. مذکور است امّا آن ترجمه هم از روی ترجمه فیتزجرالد صورت گرفته‌است، در حالی که تعریب اسکندرانی - چنان که هویدا است - از روی متن فارسی رباعی خیّام به انجام رسیده‌است.

۵۱. همه پژوهشگرانی که مجموعه رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی را به عنوان یک منبع کهن برای اثبات رباعیات خیّام به شمار آورده‌اند، تنها به ضبط اصل رباعی خیّام در آن مجموعه توجه کرده و به سه نکته دیگری که نگارنده بر آن تأکید ورزیده بی‌اعتنا بوده‌اند (برای نمونه نگر: میرافضلی، ۱۳۸۲، صص ۵۳-۵۵).

۵۲. با توجه به تحقیقات دانشوران فقید محمد علی فروغی در رباعیات خیّام، (صص ۷۰- ۸۱)، و

شاعر در رباعی جواب، به نام خیام^{۵۴} هم تصریح کرده است.

۲ - بی تردید، نخستین ترجمه عربی منظوم از رباعیات خیام را باید به قاضی نظام‌الدین اصفهانی نسبت داد^{۵۵}، مگر آن که محققان در پژوهش‌های آینده به ترجمه کهن تری دست یابند.

۳ - اظهار نظر قطعی در خصوص اولین مترجم عربی رباعیات خیام در دوره معاصر نیز، پیش از تعیین تاریخ دقیق ترجمه ناشناخته منسوب به «علی الاسکندرانی» و عصر او درست نیست، هرچند پس از روشن شدن این مجهولات هم تنها بر اساس یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده، می‌توان اظهار نظر کرد.

۴ - رباعی «دارنده چو...» به روایت‌های گوناگون نقل شده است^{۵۶}؛ اکنون با

→ جلال‌الدین همائی در *طربخانه* (صص ۳۲ - ۳۵)، در میان مآخذ قدیم این رباعی خیام، تنها رساله «التنبیه علی بعض الأسرار المودعة فی بعض سور القرآن العظیم» تألیف امام فخر رازی (مینی، ۱۳۳۵، صص ۴۲ - ۷۵)، و کتاب *مرصاد العباد* تألیف نجم رازی، پیش از رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی نگاشته شده است؛ بدینسان مجموعه رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی، از نظر تاریخی سومین مستند آن رباعی (دارنده چو...) است (نیز نگر: خیامی، عمر بن ابراهیم؛ *دانشنامه خیامی*؛ به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: علم و هنر، و صدای معاصر؛ ۱۳۷۷، ص ۴۵۳، ۴۵۵، و ۴۷۰). البته در مستون کهن دیگری همچون *الاقطاب القطبیة، نزهة المجالس، و مسالک الممالک* هم این رباعی بدون ذکر نام خیام آمده است (میرافضلی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۴). گفتنی است رباعی «دارنده...» از نظر تاریخ اسناد نیز بر همه رباعیات منسوب به خیام تقدم دارد (همان، ص ۲۴؛ و نیز نگر: دشنی، ۱۳۴۸، ص ۱۲۵).

۵۳ گولینارلی در انتساب این رباعی به خیام تردید کرده است (خیام، عمر بن ابراهیم؛ *رباعیات حکیم خیام، طربخانه یار احمد رشیدی، رساله سلسله الترتیب، خطبه تمجید ابن سینا و ترجمه خطبه تمجید*؛ مقدمه و حواشی عبدالباقی گولینارلی؛ به کوشش توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران: پژوهش، ۱۳۸۰، ص ۶). نویسنده *راز حافظ، راه سوم* (فرزانه، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱) در این باره می‌نویسد: «این رباعی غوغا آفرین و بعضی از دبیران و تذکره‌نویسان متقدم از عداد رباعیهای اصیل حکیم افکندند و به گویندگانی از درجه اوسط نسبت دادند». ناگفته نماند این رباعی به خواجه نصیرالدین طوسی و افضل‌الدین کاشانی هم منسوب شده است (میرافضلی، ۱۳۸۲).

ص ۲۱۰؛ و نیز نگر: فرزانه، ۱۳۵۶، ص ۱۲۰).

۵۴ لفظ خیام (خیمه دوز) در رباعی جواب، ایهام دارد. ایهام (یا تخییل یا توریه) آن است که گوینده الفاضلی پیارورده دارای دو معنای قریب و بعید باشد و معنای بعید آن را اراده کند (رادفر، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۱۲، ۳۱۹، و ۴۲۵، به ترتیب ذیل «ایهام»، «تخییل»، و «توریه»؛ ضمناً در رباعی مورد بحث، توریه از نوع مرشحه است که نوازم معنای قریب (غیر مراد) - مانند خیمه و خیام - در آن مذکور است.

۵۵ دکتر شبیبی ظاهراً نخستین پژوهشگری است که در طوق تورتق نسخ خطی رباعیات قاضی نظام‌الدین اصفهانی، «متوجه این موضوع شده و آن را در *دیوان الدوبیت* (ص ۲۸۷ - پانویشت) آورده است.

۵۶ روایت‌های دیگر رباعی خیام چنین است:

توجه به ضبط آن در ضمن رباعیات قاضی نظام‌الدین و تعریب وی، ضبط اصحّ یا دست کم یکی از ضبط‌های اقدم رباعی خیّام هم نمودار می‌گردد.^{۵۷}

۵- تصریح به نام خیّام - و آن هم به شکل رایج آن یعنی «خیّام»، و نه «خیّامی» یا تعبیری دیگر - در جوابیه قاضی نظام‌الدین، مدّعی برخی محققان معاصر را مبنی بر این که هیچ یک از قدمای معاصر یا نزدیک به عصر خیّام، وی را خیّام نخوانده‌اند^{۵۸}، مورد تردید قرار می‌دهد.^{۵۹}

۶- نقل رباعی خیّام و ترجمه مستقیم قاضی نظام‌الدین از آن، در مجموعه رباعیاتی که به عظام‌الک جوینی (صاحب تاریخ جهانگشای و حاکم بغداد از سال ۶۵۷ تا ۶۸۱ ق.) در عراق اهدا گردیده و برای او ارسال شده است^{۶۰}، ثابت می‌کند که برخلاف تصوّر برخی از نویسندگان معاصر عرب^{۶۱}، آشنایی جهان عرب با

→ دارنده (سازنده/داننده) چو (اچه/اکه) ترکیب (اترتیب) چنین خوب (اطبیاع/عناصر/ادایع) آراست باز از چه سبب (باز از چه قیل/از بهر چه او/از بهر چه رو) فکندش اندر کم و کاست گر خوب نیامد (اگر نیک نیامد اگر زشت آمد پس) این پنا (اصور)، عیب (اجرم) کراست ور خوب (انیک) آمد، خرابی از (اخرایش/اشکستن از) بهر چراست (اچه خواست/اچه بود) نیز در مصراع دوم به جای «باز از چه سبب فکندش اندر»، عبارت «از بهر چه افکندش اندر» و عبارت «من هیچ ندانم ز چه کردش» هم روایت شده است. باز در مصراع سوم به جای «خرابی از بهر چراست»، عبارت «چرا که در هم بشکست» هم نقل شده است. ضمناً در برخی روایات، مصراع سوم و چهارم در جای یکدیگر نشسته‌اند.

۵۷. ضبط رباعی خیّام در رباعیات قاضی نظام‌الدین، به طور کامل با روایت امام فخر رازی در رساله «التنبیه علی بعض الأسرار...» و تا حدّ زیادی - به ویژه در ترتیب مصراع سوم و چهارم - با نقل نجم رازی در *مرصاد العباد* - که پیشتر در پانوشت به هر دو اثر اشاره شد - مطابقت دارد. محسن فرزانه ضبط *مرصاد العباد* را صحیح نمی‌داند و می‌نویسد: «شیخ نجم‌الدین رازی که در حمله مغول به ری، زن و فرزندان را رها کرد، نخست به همدان و سپس به آسیای صغیر گریخت، ظاهراً بیش تر منقولات را به نیروی حافظه آورده» (فرزانه، ۱۳۵۶، ص ۱۲۰).

۵۸. به مقدمه محمدعلی فروغی بر *رباعیات خیّام* (ص ۶۹) مراجعه شود؛ در باره انحاء گوناگون نام «خیّام» در آثار گذشتگان، گزارش تفصیلی آقای رحیم رضازاده ملک در *دانشنامه خیّامی*؛ ص ۳۱ - ۳۳) هم در خور ذکر است. نیز نگر: محیط طباطبایی، محمد؛ *خیّامی یا خیّام*؛ تهران: ققنوس، ۱۳۷۰.

۵۹. انکار نمی‌کنیم که شاعرگاه در تنگنای وزن و قافیه، به ناچار بخشی از یک ترکیب و یا حتی حرفی از یک واژه را حذف می‌کند، چنان که در ترخیم منادا رایج است؛ در این جا هم احتمال کوتاه کردن نام‌هایی مثل «ابن الخیّام» یا «الخیّامی» و تبدیل آن به «الخیّام» منتفی نیست.

۶۰. قاضی نظام‌الدین اصفهانی خود در یکی از قصاید و نیز مقدمه رباعیانش بدین موضوع تصریح دارد (*منشآت و رباعیات*، برگ ۶۰ (ب)؛ و نیز نگر: *رباعیات نظام‌الدین الاصفهانی*؛ ص ۱۶، ۲۳ و ۶۵).

۶۱. برای نمونه، امیل ناصیف (۱۴۱۳ هـ، ص ۲۶) تصریح می‌کند که غربیان در اواسط قرن هجده میلادی به

رباعیات خیام، برای اولین بار از طریق ترجمه‌های اروپایی آن صورت نگرفته که دست‌کم چهار قرن، پیش از آشنایی غربیان حاصل شده است.

۷- با توجه به این که سراینده برخی پاسخ‌های منظوم فارسی رباعیات خیام، به یقین معلوم نشده است، می‌توان مدعی شد که به ظن غالب، یکی از این دو (قاضی و آن ردیه پردازان)، از دیگری متأثر است^{۶۲}. حتی با عنایت به این که قاضی نظام‌الدین، رباعیات ملمع و فارسی هم داشته^{۶۳}، احتمال آن که برخی جوابیه‌های فارسی را هم خود سروده باشد، منتفی نیست.

۸- با کشف این ترجمه عربی قاضی از رباعی خیام، ارزیابی برخی محققان معاصر^{۶۴}، از ترجمه یکی از مترجمان عربی زبان رباعیات خیام، مبنی بر این که ترجمه وی از همه ترجمه‌های منظوم خیام بدون استثنا به متن نزدیکتر است، مورد خدشه قرار می‌گیرد و باید گردانیده‌های عربی رباعیات خیام را از نو ارزیابی کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

→ رباعیات خیام اهتمام ورزیدند و در این جهت بر عرب پیشی گرفته‌اند. البته اگر مراد وی از عرب، مردمان عربی‌زبان معاصر باشد، شاید این گفته قابل توجیه باشد هرچند نگارنده این سطور در مقالی دیگر - که به زودی تقدیم خیام‌پژوهان خواهد کرد - همین را هم مخدوش دانسته است.

۶۲. احتمال هم دارد مضمون جوابیه‌های شبهه خیام بیشتر در آثار فیلسوفان و عارفان و متکلمان مطرح بوده، شاعران تنها آن مضامین را به نظم درمی آورده‌اند.

۶۳. ایسن رباعیات در سراسر آثار قاضی نظام‌الدین پراکنده است. جناب میرافضلی (۱۳۸۱)، ص ۱۱ و ۱۲)، شماری از رباعیات فارسی وی را جمع‌آوری و نقل کرده است.

۶۴. این نظر، از آن علامه قزوینی است که در ارزیابی ترجمه عربی احمد الصافی النجفی، در نامه‌ای که به وی نوشته، ابراز داشته است: «شاید بتوان گفت این ترجمه نزدیکترین جمیع تراجم شعری خیام است بلااستثنا باصل فارسی آن» (خیام، عمر بن ابراهیم؛ رباعیات عمر الخیام؛ تعریب السید احمد الصافی النجفی، ص ۱۳). مرحوم ملک‌الشعرای بهار نیز در این باره آورده است که برخی از این گردانیده‌ها نه تنها مطابق با متن اصلی است که از حیث بلاغت و اسلوب، بر آن تفوق هم دارد (بکار، یوسف حسین؛ نحن و تراث فارس؛ دمشق: المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة، ۱۴۲۰ هـ = ۲۰۰۰ م، ص ۴۹ و ۵۰).

پیشینه ترجمه رباعیات خیّام ۱۷۱

کتابشناسی:

- ۱ - آغابزرگ تهرانی، محمّد محسن؛ الذّریعة، الی تصانیف الشّیعة؛ ۲۶ ج، چاپ سوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ هـ = ۱۹۸۳ م. ج ۹، ص ۶۶۱
- ۲ - آوی، حسین بن محمّد بن ابی الرّضا؛ ترجمه محاسن اصفهان؛ به اهتمام عباس اقبال، تهران: مطبوعات مجلّه یادگار، ۱۳۲۸.
- ۳ - ابن الرّسول، سیّد محمّد رضا؛ «کهن ترین ترجمه ترانه‌ای از خیّام»؛ نشر دانش، سال ۲۰، ش ۳، پائیز ۱۳۸۲.
- ۴ - ابن الفوطی، عبد الرّزاق بن احمد؛ تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقباب؛ تحقیق محمّد الکاظم؛ ۶ ج، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴.
- ۵ - ابوالمجد تبریزی، محمّد بن مسعود؛ سفینه تبریز؛ چاپ عکسی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۶ - بغدادی، اسماعیل باشا؛ هدیه العارفین، اسماء المؤلّفین و آثار المصنّفین؛ ۲ ج، استانبول: وكالة المعارف، ۱۹۵۱ و ۱۹۵۵.
- ۷ - بکار، یوسف حسین؛ الاوهام، فی کتابات العرب عن الخیّام؛ بیروت: دارالمناهل، ۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸ م.
- ۸ - بکار، یوسف حسین؛ التّرجمات العربیة لرباعیات الخیّام، دراسة نقدیة؛ الدوحة: منشورات مركز الوثائق و الدّراسات الانسانیة - جامعة قطر، ۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸ م.
- ۹ - بکار، یوسف حسین؛ الترجمة الادبیة، اشکالیات و مزالق؛ بیروت: المؤسسة العربیة للدّراسات و النّشر، ۲۰۰۱ م.
- ۱۰ - بکار، یوسف حسین؛ نحن و تراث فارس؛ دمشق: المستشاریة الثّقافیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة، ۱۴۲۰ هـ = ۲۰۰۰ م.
- ۱۱ - تاج‌الدین احمد وزیر؛ بیاض؛ زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳.
- ۱۲ - جاجرمی، محمّد بن بدر؛ مونس الاحرار؛ فی دقایق الاشعار؛ به اهتمام میر صالح طیبی، ۲ ج، تهران: کتابخانه انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.

۱۷۲ فرهنگ، ویژه بزرگداشت خیام

۱۳ - الجبوری، کامل سلمان؛ معجم الأدباء، من العصر الجاهلی حتى سنة ۲۱۰۲ م؛ ۷ ج، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ هـ = ۲۰۰۲ م.

۱۴ - جوینی، عظاملک بن محمد؛ تاریخ جهانگشای؛ به اهتمام محمد قزوینی، ۳ ج، لیدن، ۱۹۱۱ - ۱۹۳۶ م.

۱۵ - خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی؛ تاریخ حبیب‌السیر، فی اخبار افراد بشر؛ با مقدمه جلال‌الدین همائی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ۴ ج، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.

۱۶ - خوانساری، محمدباقرالموسوی؛ روضات الجنات، فی احوال العلماء و السادات؛ ۸ ج، قم: مکتبه اسماعیلیان.

۱۷ - خیام، عمر بن ابراهیم؛ رباعیات حکیم خیام، طریخانهٔ یاراحمد رشیدی، رسالهٔ سلسله الترتیب، خطبهٔ تمجید ابن سینا و ترجمهٔ خطبهٔ تمجید؛ مقدمه و حواشی عبدالباقی گولبینارلی؛ به کوشش توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران: پژوهش، ۱۳۸۰.

۱۸ - خیام، عمر بن ابراهیم؛ رباعیات حکیم عمر خیام؛ گردآوری و مقدمهٔ حسین دانش، ترجمه و توضیح توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۹ - خیام، عمر بن ابراهیم؛ رباعیات خیام، ویرایش جدید همراه با ترجمهٔ انگلیسی فیتزجرالد؛ با تصحیح، مقدمه و حواشی محمدعلی فروغی و قاسم غنی، به کوشش بهاء‌الدین خزّمشاهی، تهران: ناهید، ۱۳۷۳.

۲۰ - خیام، عمر بن ابراهیم؛ رباعیات عمر خیام؛ تعریب السید احمد الصّافی النّجفی، چاپ افسست، قم: منشورات الارومیة، ۱۴۰۵ هـ.

۲۱ - خیام، عمر بن ابراهیم؛ کلیات رباعیات حکیم عمر خیام؛ با مقدمهٔ دکتر فریدرک روزن، چاپ دوم، تهران: فرزانه، ۱۳۶۳.

۲۲ - خیام، عمر بن ابراهیم؛ نوروزنامه، رساله‌ای در منشأ و تاریخ و آداب جشن نوروز؛ به سعی و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.

۲۳ - خیامی، عمر بن ابراهیم؛ دانشنامه خیامی؛ به اهتمام رحیم رضازاده ملک؛ تهران: علم و

پیشینه ترجمه رباعیات خیّام ۱۷۳

هنر، و صدای معاصر؛ ۱۳۷۷.

۲۴ - دانش پژوه، محمد تقی؛ فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ (جلد دوم).

۲۵ - دشتی، علی؛ دمی با خیّام؛ چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۸.

۲۶ - رادفر، ابوالقاسم؛ فرهنگ بلاغی - ادبی؛ ۲ ج، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸.

۲۷ - رشیدی تبریزی، یاراحمد بن حسین؛ طریخانه، رباعیات حکیم عمر خیّام نیشابوری؛ با تصحیح و مقدمه و تعلیقات و اضافات جلال الدّین همائی، تهران: کتابخانه انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲.

۲۸ - الشّیبری، عبدالحسین؛ مشاهیر شعراء الشّیعة؛ ۵ ج، قم: المكتبة الأدبیة المختصة، ۱۴۲۱ هـ.

۲۹ - شجره، حسین؛ تحقیق در رباعیات و زندگانی خیّام؛ [تهران]: اقبال، ۱۳۲۰.

۳۰ - شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ ۲ ج، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۶۵.

۳۱ - الشّیبی، کامل مصطفی؛ دیوان الدّویب فی الشّعر العربی (فی عشرة قرون)؛ طرابلس: منشورات الجامعة اللّیبیة - کلیة التّریة، ۱۳۹۲ هـ. = ۱۹۷۲ م.

۳۲ - شیخ بهائی، محمد بن حسین؛ الکشکول؛ تعلیق سیّد مهدی لاجوردی؛ ۳ ج، قم: هیئة المتّحدة الکبری، ۱۳۷۷ هـ.

۳۳ - العریض، ابراهیم؛ اللّمسات الفنیة عند مترجمی الخیّام: المنامة: مكتبة فخرآوی، ۱۴۱۷ هـ. = ۱۹۹۶ م.

۳۴ - فرزانه، محسن؛ راز حافظ، راه سوم؛ تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۶۸.

۳۵ - فرزانه، محسن؛ نقد و بررسی رباعیهای عمر خیّام؛ تهران: کتابخانه فروردین، ۱۳۵۶.

۳۶ - کریستن سن، آرتور امانوئل؛ بررسی انتقادی رباعیات خیّام؛ ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس، ۱۳۷۴.

۳۷ - محیط طباطبایی، محمد؛ خیّامی یا خیّام؛ تهران: ققنوس، ۱۳۷۰.

۱۷۴ فرهنگ، ویژه بزرگداشت خیام

- ۳۸ - مدرّس رضوی، محمدتقی؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی؛ چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۰.
- ۳۹ - مستوفی، حمدالله؛ تاریخ گزیده؛ به اهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- ۴۰ - میرافضلی، سیدعلی؛ رباعیات خیام در منابع کهن؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۴۱ - میرافضلی، سیدعلی؛ «قاضی نظام‌الدین اصفهانی و رباعیات او»؛ معارف، دوره ۱۹، ش ۲ (پیاپی ۵۶)، مرداد - آبان ۱۳۸۱.
- ۴۲ - مینوی، مجتبی؛ «از خزاین ترکیه»؛ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۴، ش ۲، دی‌ماه ۱۳۳۵.
- ۴۳ - مینوی، مجتبی؛ پانزده گفتار، درباره چندتن از رجال ادب اروپا از اومیرس تا برناردشا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.
- ۴۴ - ناصیف، امیل؛ اروغ ما قبل من الرباعیات؛ بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۳ هـ. = ۱۹۹۳ م.
- ۴۵ - نجم رازی، ابوبکر بن محمد؛ مرصاد العباد، من المبدأ الی المعاد؛ به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۴۶ - نراقی، احمد؛ الخرائج؛ تحقیق حسن حسن‌زاده آملی و علی‌اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۸۰ هـ.
- ۴۷ - نظام‌الدین اصفهانی، محمد بن اسحاق؛ رباعیات نظام‌الدین اصفهانی، نخبة الشّارب و عجالة الرّاکب؛ تحقیق کمال ابودیّب، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳ م.
- ۴۸ - نظام‌الدین اصفهانی، محمد بن اسحاق؛ منشآت و رباعیات؛ دست‌نویس ش ۲۳۱۵ کتابخانه احمد ثالث (توپقاپوسرای ترکیه)، ۷۱۰ هـ.، فیلم ش ۳۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۴۹ - نظام‌الدین اصفهانی، محمد بن اسحاق؛ نخبة الشّارب و عجالة الرّاکب؛ دست‌نویس «465 Arabic» کتابخانه رایلند (The John Ryland Library) در منچستر انگلستان، [بی تا]، فیلم ش ۳۱۸۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

پیشینہ ترجمہ رباعیات خیام ۱۷۵

۵۰۔ ہدایت، صادق؛ خیام صادق، مجموعہ آثار صادق ہدایت درباره خیام؛ مقدمہ و گردآوری
جہانگیر ہدایت، تہران: چشمہ، ۱۳۸۱.
انگلیسی:

51- Khayyam, omar; *The Ruba'iyat of 'Umar-i-Khayyam*, persian text edited
from manuscript dated A.D.911(1505 A.D); by M.Mahfuz-ul-haq,
Calcutta:Royal Asiatic Society of Bengal,
1939,p.81

52- Mingana; *Catalogue of Arabic Manuscripts in the John Ryland's Library*,
Manchester, P.774, No.465.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی